یادداشت روز

محترمانه با آقای خسروپناه!

۱- نقد کیهان بر لایحه عفاف و حجاب که با عنوان «لایحه عفاف یا گسترش بی‌حجابی»! در یادداشت روز کیهان دوشنبه اول خردادماه جاری آمده بود، با نگاهی مستند، حقوقی و برگرفته از متن لایحه مورد اشاره نوشته شده بود و به وضوح نشان می‌داد که خروجی لایحه یاد شده، برخلاف نامی که بر آن نهاده‌اند، نه فقط حفظ عفاف و حجاب نیست بلکه گسترش بی‌حجابی و حتی تشویق به انجام این پدیده پلشت و عفت‌سوز را نیز به دنبال دارد. یادداشت کیهان با استقبال گسترده بسیاری از حقوقدانان متعهد، صاحبنظران و عالمان دینی و مردم پاکباخته‌ای که از کشف‌حجاب‌های اخیر به تنگ آمده بودند رو به رو شده و انتظار آن بود -و هنوز هم هست- که دولت محترم و قوه گرانقدر قضائیه این لایحه را برای بازنگری و اصلاح مفاد آن پس بگیرند و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی نیز مادام که مفاد لایحه اصلاح نشده باشد، از تصویب آن خودداری کنند و اما...!

۲- در حالی که حمایت تلویحی رسانه‌های بیگانه و سایت‌ها و کانال‌های وابسته به دشمنان تابلودار نظام از لایحه یاد شده، دور از انتظار نبود، برخی از برادرانی که بعضاً دارای مسئولیت رسمی نیز هستند به حمایت از لایحه مورد اشاره پرداخته و درباره آن اظهاراتی داشته‌اند که متاسفانه با واقعیت و آنچه در متن لایحه مورد اشاره آمده است فاصله فراوانی دارد. بخوانید!

۳- برادر عزیزمان جناب حجت‌الاسلام والمسلمین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی طی سخنانی در «مدرسه فصلی پژوهشگاه فقه نظام» با تاکید بر این که «لایحه عفاف و حجاب لایحه‌ای کاربردی و موفق است»! گفته است: «عده‌ای که ایراد می‌گیرند آن را به طور کامل نخوانده و ندیده‌اند»! درباره این بخش از اظهارات ایشان باید پرسید از کجا می‌دانید و بر چه اساسی ادعا می‌کنید که منتقدان لایحه، «آن را به طور کامل نخوانده و ندیده‌اند»؟! این ادعا در حالی است که منتقدان و از جمله کیهان در جای جای نقد خود، ابتدا به متن لایحه استناد کرده و سپس به نقد آن پرداخته‌اند. اما، جنابعالی در ادعای خود و در تمجید و تعریف از لایحه حتی یک بار هم به متن آن اشاره و استناد نفرموده‌اید. حالا خودتان قضاوت کنید که کدامیک لایحه را نخوانده‌ایم؟ ما یا شما؟! ما، جنابعالی را به نخواندن لایحه متهم نمی‌کنیم (برخلاف شما که بی‌سند سخن گفته‌اید!) ولی می‌پرسیم که اگر لایحه را خوانده بودید چرا، لااقل در بخشی از اظهارات خود به چند خط از متن و مفاد لایحه اشاره نکرده‌اید؟ و -با عرض پوزش- به کلی‌گویی! درباره آن اکتفا فرموده‌اید؟!

۴- به عنوان مثال در بخشی از یادداشت کیهان آمده بود «بر اساس قوانین موجود، کشف حجاب در اماکن عمومی «جرم مشهود» است و مقابله با آن وظیفه قانونی و تعریف‌شده ضابطان قضایی (اعم از نیروی انتظامی و بسیج و...) است. توضیح آن که جرم مشهود به جرایمی گفته می‌شود که در آن عمل مجرمانه (در این‌جا کشف‌حجاب) در مکان عمومی رخ بدهد یا به‌گونه‌ای باشد که وقوع جرم توسط نیروی انتظامی یا مردم دیده شود و یا وقوع جرم و متهم آن، محرز و آشکار باشد. مطابق قوانین موجود (که بدیهی نیز هست) مأمورین انتظامی به محض اطلاع از وقوع یک جرم مشهود باید به مقابله با آن برخیزند و از وقوع آن جلوگیری کرده و در صورت لزوم، مجرم را همراه با مستندات جرم به مراجع قضایی تحویل بدهند.

حالا به مفاد ماده یک لایحه عفاف و حجاب توجه کنید. در آن آمده است که ماموران نیروی انتظامی در صورت مشاهده کسانی که کشف حجاب (جرم مشهود) کرده‌اند «در مرتبه اول از طریق مقتضی با استفاده از فناوری‌های نوین و سامانه‌های هوشمند مانند ارسال پیامک تذکر دهد. در صورت تکرار این رفتار در مرتبه دوم از طریق سامانه‌های مذکور معادل یک دهم جزای نقدی درجه هشت و در مرتبه سوم معادل یک پنجم جزای نقدی درجه هشت جریمه نماید و در مرتبه چهارم مرتکب را جهت تعقیب کیفری و اعمال مجازات موضوع ماده(۲) به مراجع قضایی ذی‌صلاح معرفی کند»! به بیان دیگر، اولاً؛ وظیفه تصریح شده مقابله با جرم مشهود از ماموران سلب شده است! ثانیاً؛ مجازات کشف حجاب، از دایرهٔ جرایم کیفری حذف شده و به جرایمی از نوع «تخلف»! آن‌هم با مجازات نقدی تقریباً ناچیز تبدیل شده است! ثالثاً؛ امکان برخورد با این پدیده عفت‌سوز از سایر نهادهای ضابط قضایی مانند بسیج و سپاه گرفته شده و حال آنکه برخورد آنان با جرایم مشهود یک ماموریت قانونی و مصوب مجلس و فرماندهی کل قواست! رابعاً مردم از انجام تکلیف دینی و قانونی امر به معروف و نهی از منکر نه فقط منع شده‌اند، بلکه اقدام آنها در این زمینه به‌گونه‌ای یک اقدام مجرمانه نیز تلقی شده است! و مثلاً حق ندارند از تردد کشف‌حجاب‌کنندگان در معابر عمومی و انظار عامه جلوگیری کنند»!

و چند نمونه دیگر که در تمامی آنها به متن لایحه استناد شده بود ولی جنابعالی در اظهارات خود کمترین اشاره‌ای به متن لایحه نکرده‌اید و با این وجود ادعا می‌کنید که منتقدان متن لایحه را نخوانده‌اند!

۵- با اشاره به منتقدان لایحه، فرموده‌اید «متأسفانه برخی از افراد حزب‌اللهی با مواضع خود در زمین دشمن بازی می‌کنند»! و توضیح نداده‌اید که آیا تاکید بر حفظ عفاف و حجاب «بازی در زمین دشمن» است یا سهل‌انگاری نسبت آن؟! جنابعالی به عنوان دبیر محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی به یقین می‌دانید و خوانده و شنیده و دیده‌اید که مقابله با حجاب یکی از ترفندهای آشکار دشمنان تابلودار اسلام و نظام است. آیا تاکید بر حفظ حجاب و نجات شمار فراوانی از دختران و زنان ساده‌انگار و فریب‌خورده (البته حساب معاندان جداست) از چنبره فریب دشمن، بازی در زمین دشمن است یا کم‌توجهی به ضرورت حفظ حجاب و پیش‌گیری از کشف‌حجاب که به فرموده رهبر معظم انقلاب «هم حرام شرعی است و هم حرام سیاسی است»؟

۶- فرموده‌اید «گفتمان‌سازی مقدم بر اجراست» که سخن بجا و قابل قبولی است و منظورتان این است که قبل از اجرای حکم مقابله با بی‌حجابی باید درباره آن روشنگری و به قول شما «گفتمان‌سازی» شود. این نکته نیز -به غیر از بخشی از آن- قابل قبول است ولی در این خصوص باید گفت؛

به یقین توجه دارید که روشنگری درباره ضرورت حجاب نباید و نمی‌تواند مانع برخورد (متناسب) با کشف‌حجاب باشد. به عنوان مثال، برای مقابله با اعتیاد به مواد مخدر نمی‌توان از نقش روشنگری درباره این بلای خانمانسوز غافل بود و در همان حال نمی‌توان و نباید از برخورد با قاچاقچیان مواد مخدر (برخورد سخت و پشیمان‌کننده) و مقابله با معتادان (از نوع روشنگری و تشویق به ترک اعتیاد) خودداری کرد.

۷- فرموده‌اید «طبق قانون موجود فردی که کشف‌حجاب کرده است مجرم است» و باید با او برخورد و جریمه شود. ولی اشاره کرده‌اید که «با توجه به شمار مجرمین اجرای آن امکان‌پذیر نیست»! که باید گفت؛ اولاً؛ در کدام نظام حقوقی و سیستم قانونی آمده است که اگر تعداد مجرمان زیاد بود باید از اجرای قانون درباره آنها خودداری شود؟! ثانیاً؛ چرا تصور می‌کنید که شمار مجرمان کشف‌حجاب زیاد است؟! این محاسبه را با کدام مقایسه به دست آورده‌اید؟! کاش نیم نگاهی به توده‌های عظیم زنان و دختران محجبه در برخی از مراسم نظیر ۲۲ بهمن، نماز عید فطر، روز قدس، روزهای ماه مبارک رمضان و آمار خانم‌های محجبه دارای تحصیلات عالیه و... می‌انداختید و بعد در این خصوص اظهار نظر می‌فرمودید!

۸- لایحه عفاف و حجاب را «لایحه‌ای کاربردی و موفق»! دانسته‌اید، بی‌آن‌که دلیل و سندی برای دیدگاه خود ارائه بدهید و فرموده‌اید «در اصلاح قانون جدید به این نتیجه رسیده شده که جرم‌انگاری کشف‌حجاب فرآیندی باشد به این معنا که در گام‌های اول به عنوان تخلف معرفی شده و جریمه بازدارنده برای آن صورت گیرد تا شمار مجرمین و متخلفین کم شود و در پایان کسی که لجاجت دارد به عنوان مجرم شناخته شود». یکی از جان‌مایه‌های بحث در همین نقطه است. حالا به یکی از بندهای یادداشت مورد اشاره کیهان توجه کنید.

«به شاه بیت! ماده یک این لایحه نظری بیندازید! چه می‌بینید؟! مطابق این ماده، نیروی انتظامی در صورت مشاهده جرم مشهود کشف حجاب، حق کمترین برخورد و ممانعتی ندارد! خُب، باید چه کند؟ باید برای کشف‌حجاب‌کننده پیامک بفرستد و به او تذکر بدهد! اگر مراعات نکرد چه؟ پیامک دوم! اگر بازهم... پیامک سوم! و... خودتان قضاوت کنید. آیا این فرمول پیشنهادی در لایحه یادشده غیر از رها کردن پدیده خانمان‌برانداز و عفت‌سوز کشف حجاب و تشویق دشمن به بهره‌گیری از زنان فریب‌خورده برای ادامه این راه پلشت، مفهوم و معنای دیگری دارد؟! آیا این ماده خنده‌دار نیست؟! البته که خنده‌دار نیست، بلکه بر احوال ملت و خون شهدا و شهید و شهادت و مجاهدت‌های ۴۴ ساله ملت و... باید گریست!».

جناب خسرو پناه عزیز! با این لایحه می‌خواهید به مقابله با بی‌حجابی بروید؟!

۹- و بالاخره کلام حکیمانه رهبر معظم انقلاب در مقابله با پدیده پلشت کشف حجاب را راهگشا و فصل‌الخطاب می‌دانیم. آنجا که می‌فرمایند:

«کشف حجاب، حرام شرعی و حرام سیاسی است؛ هم حرام شرعی است، هم حرام سیاسی است. خیلی از کسانی که کشف‌حجاب می‌کنند نمی‌دانند این را؛ اگر بدانند که پشت این کاری که اینها دارند می‌کنند چه کسانی هستند، قطعاً نمی‌کنند؛ من می‌دانم. خیلی از اینها کسانی هستند که اهل دینند، اهل تضرّعند، اهل ماه رمضانند، اهل‌گریه و دعایند، [منتها] توجّه ندارند که چه کسی پشت این سیاستِ رفعِ حجاب و مبارزه با حجاب است. جاسوس‌های دشمن، دستگاه‌های جاسوسی دشمن، دنبال این قضیّه هستند. اگر بدانند، حتماً نمی‌کنند».

با پوزش از برادر عزیزمان، حجت‌الاسلام والمسلمین آقای خسروپناه و تاکید بر این باور مشترک که «آخر دعوانا أَنِ الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِین».

حسین شریعتمداری

جدیدترین سند رسوایی حقوق بشر غربی

پایان ۵ سال بازداشت غیرقانونی «اسدالله اسدی» دیپلمات ایرانی به آغوش وطن بازگشت

سرویس سیاسی-

اسدالله اسدی دیپلمات به گروگان گرفته شده ایران در بلژیک پس از ۱۷۸۹ روز اسارت و در سایه دیپلماسی عزتمندانه دولت مردمی دیروز آزاد شد و به وطن بازگشت. اسارتی که ۱۰۰ روزش در زندان بیماران اعصاب، ۲۸روزش در بونکر آب به صورت عریان و ۹۰ روزش در سلول انفرادی بدون پنجره در سایه حقوق بشر غربی گذشته بود.

هواپیمای حامل اسدالله اسدی دیپلمات کشورمان روز گذشته وارد فرودگاه امام خمینی تهران شد و مورد استقبال علی بهادری جهرمی سخنگوی دولت و کاظم غریب‌آبادی معاون بین‌الملل قوه قضائیه و رئیس ستاد حقوق بشر قرار گرفت.

اسدی دبیر سوم سفارت کشورمان در اتریش بود که ۱۱ تیر ماه ۱۳۹۷، همزمان با سفر «حسن روحانی» رئیس‌جمهور سابق به اروپا، با طراحی رژیم صهیونیستی و عاملیت برخی سرویس‌های امنیتی اروپایی به اتهام تلاش برای بمب‌گذاری در نشست گروهک تروریست منافقین، در حالی در آلمان به گروگان گرفته شده و پس از آن به بلژیک منتقل شد که مقامات دولت قبل تا آخرین روز دوره مسئولیت‌شان کمترین تلاشی برای پیگیری پرونده وی از خود نشان ندادند.

این در حالی است که بر طبق قوانین دیپلماتیک، همه کشورها می‌توانند در مقابل اقدام دیپلماتیک کشور دیگر، «اصل عمل متقابل» را اجرا کنند. این عمل به عنوان کمترین واکنش محسوب می‌شود. بنابراین دولت روحانی که مدعی بلد بودن زبان دنیا بود و بازگشت اعتبار به پاسپورت ایرانی را وعده داده بود در کمترین واکنش می‌بایست، دیپلمات همتراز اسدی در ایران را بازداشت می‌کرد؛ که اگر این اقدام متقابل در همان ابتدای کار صورت می‌گرفت، گستاخی طرف‌های اروپایی این‌قدر به درازا نمی‌کشید.

از سوی دیگر ضعف بخش دیپلماسی عمومی وزارت امور خارجه در به دست گرفتن ابتکار عمل موجب شد تا رسانه‌های معاند با سوءاستفاده از خلأ اطلاعاتی موجود، حتی تصاویر مدنظر خود را منتشر کنند.

علاوه بر بی‌عملی دستگاه دیپلماسی دولت قبل در واکنش قاطع به گستاخی برخی کشورهای اروپایی، سفارتخانه‌های ایران در آلمان، اتریش، بلژیک و فرانسه در وزارت خارجه ظریف نیز کاملاً در موضعی منفعلانه قرار گرفته و هیچ اقدامی درخصوص احقاق حقوق دیپلمات ایرانی انجام ندادند. این بی‌عملی موجب شد تا گروهک تروریستی منافقین در پایتخت برخی کشورهای اروپایی به شدت به فضاسازی درخصوص بازداشت دیپلمات کشورمان مشغول شود.

این درحالی بود که در تمام این مدت این دیپلمات کشورمان در سخت‌ترین شرایط و در وضعیتی بسیار نامناسب به سر می‌برد.

اسدالله اسدی در قالب دو دست‌نوشته که همسرش در صفحه شخصی‌اش منتشر کرده، وضعیت خود در دوران اسارت در کشورهای اروپایی را این‌گونه شرح داده بود: «هیچ زندانی باور نمی‌کرد که من ۲۰ روز در بونکر نگهداری شده‌ام. بدترین افراد، چند شب در بونکر نگهداری می‌شدند و مجدداً به سلول خود باز می‌گشتند. در تمام ۲۰ روز اجازه هواخوری جمعی به من داده نشد. در بونکر کلیه وسایلم را پشت در گذاشتند، به جز یک عدد تشک پلاستیکی، یک پتو و یک توالت فرنگی هیچ چیز نبود و کف و سقف با کاشی و سرامیک بدرنگ پوشیده شده بود به نحوی که آن را به یک غسالخانه شبیه کرده بود.»

با این حال با پیگیری‌های مجدانه دولت مردمی زمینه تبادل و آزادی این دیپلمات کشورمان پس از ۵ سال اسارت در اروپا فراهم شد و همسر اسدی نیز در توئیتر دستور سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور برای پیگیری سریع‌تر این پرونده از سوی دستگاه دیپلماسی کشور تشکر و قدردانی کرده بود.

در نهایت روز گذشته ناصر کنعانی سخنگوی وزارت امور خارجه از آزادی اسدالله اسدی دیپلمات گروگان گرفته شده ایرانی در پی توافق دوجانبه با دولت بلژیک و بازگشت به کشور خبر داد و امیرعبداللهیان هم از تلاش‌های مثبت عمان در این‌باره تشکر کرد.

کنعانی: اسدی با سناریوی آمریکایی-صهیونیستی گروگان گرفته شده بود

ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه درباره پرونده اسدالله اسدی و گروگانگیری او توسط سرویس‌های امنیتی اروپایی گفت: در این ماجرا سناریوی صهیونیستی- آمریکایی «دروغ بزرگ» با هدف بحران‌سازی در روابط ایران و اروپا روی پرده رفت و این توطئه درست پس از خروج یک‌جانبه آمریکا از توافق برجام صورت گرفت.

سخنگوی دستگاه دیپلماسی تصریح کرد: در این زمینه برخی دولت‌های اروپایی تحت تأثیر القائات رژیم صهیونیستی و گروهک تروریستی نفاق قرار داشتند و آنها با نقض تعهدات بین‌المللی پس از «بازداشت خودسرانه» دیپلمات ایرانی، او را در دادگاهی نمایشی و کاملا سیاسی و مدیریت شده به ۲۰ سال زندان محکوم کردند.

کنعانی تاکید کرد: جمهوری اسلامی ایران از بدو امر با اتخاذ مواضع منطقی و در دفاع از حقوق ایرانیان، ضمن اعلام اعتراض و محکومیت نقض مصونیت دیپلماتیک دیپلمات ایرانی، تمام تلاش خود را برای آزادی این شهروند و دیپلمات ایرانی به کار بست و نهایتا در پی نشست‌های متناوب و مشترک امنیتی و رایزنی وزرای خارجه ایران و بلژیک طی توافقی دوجانبه با دولت بلژیک، آزادی این دیپلمات به گروگان گرفته شده محقق شد.

غریب‌آبادی: بازداشت اسدی برخلاف تمام ضوابط و اصول حقوقی و بین‌المللی بود

کاظم غریب‌آبادی، معاون امور بین‌الملل قوه قضائیه و دبیر ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران نیز با تبریک آزادی این دیپلمات به خانواده اسدی و مردم ایران، افزود: حقوق ایشان چه از نظر مطابقت با حقوق بین‌الملل و حقوق بشر بسیار نقض شده است. ایشان دیپلمات جمهوری اسلامی ایران در سفارت کشور در اتریش بودند. طبق اصول بین‌الملل و کنوانسیون ۱۹۶۱ ناظر بر روابط دیپلماتیک، نمی‌توان دیپلمات‌ها را بازداشت کرد به‌ویژه اگر در کشوری ثالث باشند و یا در حال بازگشت به محل مأموریت خود باشند.

غریب‌آبادی تاکید کرد: ایشان دقیقاً همین وضعیت را داشت. یعنی هم حکم بازداشتی که بلژیک صادر کرد و هم دستگیری ایشان در آلمان و هم لغو مصونیت دیپلماتیک ایشان توسط دولت اتریش، تمامی اینها خلاف ضوابط و اصول حقوقی و بین‌المللی است.

وی ابراز امیدواری کرد که دستگاه‌های مختلف کشور به همین ترتیب تلاش‌های خود را در راستای آزادی هر هموطنی که به ناحق یا غیرقانونی در دیگر کشورها بازداشت هستند، ادامه بدهند.

جمشیدی: تاکید آیت‌الله رئیسی در پاسخ به درخواست تعامل دولت بلژیک در گام اول آزادی اسدی بود

محمد جمشیدی معاون سیاسی دفتر رئیس‌جمهور نیز در توئیتی درباره آزادی اسدی نوشت: آزادی دیپلمات مقاوم ایرانی اسدالله اسدی یک پیروزی برای ملت ایران است.

در زمانی که مقامات دولت بلژیک در پارلمان و رسانه لفاظی می‌کردند در گفت‌وگوهای تلفنی درخواست تعامل بزرگ داشتند. تاکید آیت‌الله رئیسی این بود که گام اول برای تعامل، آزادی دیپلمات ایرانی است. حالا مسیر باز است.

گفت و شنود

با کِش وَر نرو!

گفت: سایت مدعی اصلاحات «خبرآنلاین» تصویری از شلیک یک موشک در آمریکا را منتشر کرده و در شرح آن با ذوق‌زدگی نوشته است «پرتاب دیدنی یک موشک جدید از روی سکوی شناور در آمریکا»!

گفتم: جماعت مدعی اصلاحات، وقتی از شهر زیرزمینی موشک‌های نقطه‌زن و فوق‌مدرن ایران رونمایی شده بود، جیغ می‌کشیدند که نمایش موشک‌ها مانع برجام است! و می‌گفتند آمریکا با یک موشک می‌تواند تمام تاسیسات نظامی ما را منهدم کند! و سر و صدا به راه می‌انداختند که موشک به چه درد می‌خورد و...!

گفت: چرا برخی از این مدعیان اصلاحات این‌قدر کشته و مرده آمریکا هستند و نسبت به پیشرفت‌ها و دستاوردهای کشور خودشان کمترین احساس مباهاتی ندارند؟!

گفتم: چه عرض کنم؟! به طرف گفتند با «کشور» جمله بساز. گفت؛ دیروز با کِش وَر می‌رفتم از دستم در رفت و خورد تو چشمم!

در گفت‌وگوی تلفنی با وزیر خارجه عراق

امیرعبداللهیان خواستار تقویت همکاری‌های بانکی ایران و عراق شد

امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه کشورمان و فواد حسین وزیر خارجه عراق در خصوص آخرین وضعیت مناسبات فی‌مابین گفت‌وگو کردند.

حسین امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه کشورمان و فواد حسین وزیر خارجه عراق در خصوص آخرین وضعیت مناسبات میان دو کشور تلفنی گفت‌وگو کردند.

بر اساس این گزارش، در این گفت‌وگو بر پیگیری اجرای موافقتنامه امنیتی امضا شده بین دو کشور تاکید شد. همچنین ضرورت تقویت خطوط انتقال گاز ایران به عراق و همکاری‌های منطقه‌ای از دیگر موضوعات مورد گفت‌وگوی وزرای امور خارجه دو کشور در این تماس تلفنی بود.

امیرعبداللهیان در این گفت‌وگوی تلفنی ضمن تشکر از انتقال مالی و بانکی مربوط به سفر حجاج بیت‌الله الحرام از محل اعتبارات جمهوری اسلامی ایران از سوی عراق، خواستار تقویت هر چه بیشتر همکاری‌های بانکی شد.

هیئت حاکمه فعلی افغانستان را به رسمیت نمی‌شناسیم

امیرعبداللهیان روز پنج‌شنبه نیز در دیدار مقامات وزارت خارجه و رؤسای نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن خمینی که در حرم امام خمینی(ره) انجام شد، گفت: هیئت حاکمه فعلی افغانستان را به رسمیت نمی‌شناسیم و بر لزوم تشکیل دولت فراگیر در افغانستان تاکید داریم زیرا طالبان بخشی از واقعیت افغانستان است نه همه آن.

وی افزود: ما در ارتباط با موضوع حقابه ایران از هیرمند، گفت‌وگوهایی با مقامات افغانستان داشته‌ایم و معتقدیم که بر اساس قرارداد ۱۳۵۱ باید در این ارتباط مسیر حقوقی مورد توجه قرار بگیرد.

امیرعبداللهیان این را هم اضافه کرد و گفت: ما از محروم کردن زنان و دختران افغانستانی از تحصیل و آموزش ناخرسندیم و این را رفتاری برخلاف تعالیم پیامبر اسلام می‌دانیم.

وی درباره مذاکرات هسته‌ای هم گفت: برجام خوب یا بد دارای نقاط ضعف یا قوت امروز یک سند بین‌المللی است که مقابل بوده و مسیر ما در جهت لغو تحریم‌ها است.

وزیر امور خارجه ادامه داد: از طریق وزرای خارجه برخی کشورها تلاش‌ها برای جمع‌بندی متن اولیه در حال انجام است. اما برای حفظ آرامش مردم دائماً اطلاع‌رسانی نمی‌کنیم. اما پیشرفت‌های خوبی حاصل شده است و امیدواریم به نقاط خوبی برسیم.

خبر ویژه

طبیعی بود شمخانی با اقدام مجلس برای لغو تحریم‌ها همراه شود

«آقای شمخانی در بسیاری مقاطع با برجام همسو بود، به‌خصوص در سال ۹۴، در عین حال در سال ۹۹ با قانون راهبردی مجلس برای لغو تحریم‌ها همراهی‌هایی نشان داد».

این تحلیل را سایت انتخاب از قول یک دیپلمات سابق و در حالی منتشر کرد که برخی رسانه‌های زنجیره‌ای همسو القا می‌کردند شمخانی چون دنبال احیای برجام بوده، کنار گذاشته شده است.

کوروش احمدی دیپلمات سابق درباره تغییر شمخانی و میزان تعیین‌کنندگی نهاد شورای عالی امنیت ملی بر روند برجام گفت: این مسئله از دو جهت قابل بحث است: یکی اینکه آیا موضوعات از بعد اجرایی نیز به‌طور مشخص به شورای امنیت ملی سپرده شود یا نه. دیگر اینکه نقش شورای عالی امنیت ملی در بررسی و تصویب اموری که ابعاد اجرایی آن در نهادهای دیگر انجام شده تا چه حد است. در مورد اول مثلا امور اجرایی برجام در یک دوره‌ای به شورای عالی امنیت ملی سپرده شده بود و دبیران این شورا کارهای اجرایی و مذاکرات با طرف‌های خارجی را انجام می‌دادند. در یک دوره دیگر مشخصا در دولت یازدهم و دوازدهم کار به دولت سپرده شد.

او ادامه داد: اکنون اگر احیانا کار برجام یا هر فکر دیگری در مورد برنامه هسته‌ای به شورای امنیت ملی سپرده شود، طبعا نقش دبیر آن اهمیت بسیار زیادی پیدا می‌کند. از اینکه بگذریم مسئله در سطح تصمیم‌گیری‌های نهایی و تصویب نتایج کارهاست؛ شورای عالی امنیت ملی وظیفه دارد که حاصل هر اقدامی را که در چارچوب سیاست‌های کلی ابلاغی انجام‌شده، بررسی کند و در مورد آن تصمیم بگیرد و نهایتا کار با تایید رهبری می‌تواند اجرایی شود.

وی درباره کنار رفتن شمخانی از دبیری شورای عالی امنیت ملی و تاثیر این اتفاق بر پرونده برجام افزود: من فکر نمی‌کنم کنار رفتن ایشان تاثیری عمده‌ای در کار برجام داشته باشد؛ آقای شمخانی در ده سال اخیر که سمت دبیری شورا را داشت، در بسیاری مقاطع با برجام همسو بود، به‌خصوص در سال ۹۴ که برجام مورد تایید نظام بود. منتهی در سال ۹۹ آن‌طور که از گزارش‌های خبری برمی‌آید، با قانون راهبردی مجلس برای لغو تحریم‌ها که در آذر آن سال تصویب شد، همراهی‌هایی نشان داد؛ و این در حالی بود که دولت روحانی و وزارت خارجه قویا با قانون مذکور مخالف بودند و به قول آقای واعظی، آن مصوبه به‌گونه‌ای بود که می‌توانست پرونده هسته‌ای ایران را دوباره به شورای امنیت سازمان ملل بفرستد.

کوروش احمدی افزود: در آن دوره در رسانه‌ها مطرح بود که گویا آقای شمخانی بدون اطلاع دولت و رئیس‌جمهور، مذاکراتی با مجلس و شورای نگهبان داشته یا شاید نامه‌ای دال بر موافقت شورا به شورای نگهبان نوشته باشد که تصویب آن قانون توسط مجلس و تایید سریع آن توسط شورای نگهبان را ممکن کرد. این امر از آن جهت اهمیت داشت که اقدامات مرتبط با برجام توسط نهادهای دیگر مستلزم جلب موافقت دولت بود و دولت باید با اقدام مجلس موافقت می‌کرد تا شورای نگهبان آن را تصویب کند. در آن زمان صحبت از این بود که با وجود اینکه روحانی رئیس شورای عالی امنیت ملی بود، اما دبیر شورا نظر موافق شورای عالی امنیت ملی را با آن مصوبه اعلام کرده بود. اگر این اخبار درست باشد به این معنی است که آقای شمخانی در آن مقطع کمتر با دولت و بیشتر با مجلس که موضع تندی در مورد برجام داشت همسو بود.

درباره بخشی از اظهارات کوروش احمدی گفتنی است که شورای عالی امنیت ملی، نهاد عالی فراقوه‌ای است و بنابراین تصمیمات در آن نه صرفا براساس نظر دولت، بلکه براساس تصمیم‌گیری جمعی انجام می‌شود. در ماجرای قانون اقدام متقابل (سال ۱۳۹۹)، اتفاق‌نظر در سطح نظام بر این بود که باید در مقابل عهدشکنی ادامه‌دار آمریکا، اقدام متقابل انجام شود تا ضمن فشار به طرف مقابل برای لغو تحریم‌ها و اعاده حقوق ایران، برنامه هسته‌ای نیز از تعطیلی پنج‌ساله خارج شود. در عین حال این قانون، موجب راستی‌آزمایی وعده‌ها و پشت‌هم‌اندازی‌های غرب هم بود که آیا بالأخره تحریم‌ها را لغو می‌کند تا ایران هم به تعهدات تعلیقی برجامی برگردد یا نه؟ در این مسیر آقای شمخانی به‌عنوان دبیر، باید با نظام و اکثریت قاطع اعضای شورا همراهی می‌کرد و به مجلس درباره تدوین قانون اقدام راهبردی مشورت شورا را ابلاغ می‌کرد. و این همکاری با عنایت به خوش‌بینی و همکاری گذشته وی در ماجرای تایید برجام در شورا، جای هیچ شائبه‌ای نداشت. نکته دوم، ادعای پیش‌بینی ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت در صورت تصویب قانون اقدام راهبردی در مجلس است که گذشت زمان خلاف بودن ادعا و پیش‌بینی آقای واعظی را نشان داد و ثابت کرد ترس از هیاهوی دشمن، موجب عقب‌نشینی‌های یکطرفه شده است.

گفتنی است شمخانی با وجود خوش‌بینی به توافق و همکاری کامل در تصویب آن در سال ۱۳۹۴، چهار سال بعد یعنی مرداد ۱۳۹۸ در گفت‌وگو با شبکه ان‌بی‌سی‌نیوز تاکید کرد: «امضای برجام اشتباه بود؛ ما نباید آن را امضا می‌کردیم. مذاکره با آمریکا بی‌فایده است. ما بیش از این اجازه نداریم که فرصت ملت ایران را صرف روندهای بی‌حاصل کنیم. اروپایی‌ها از ما خواستند از برجام خارج نشویم. ما پذیرفتیم تا به اروپا فرصت بدهیم. اروپا اگر در پرداخت هزینه‌های حفظ برجام مردد است، باید بدانند که ایران معطل آنها نخواهد ماند. هدف تحریم‌ها، مذاکره نیست؛ بلکه وادار کردن ایران به تسلیم است و مادام که آمریکا این رویکرد را در پیش بگیرد، ایران هرگز به‌دنبال مذاکره نخواهد بود».

مفلوک و گردن‌شکسته مثل مُهره لافزن شبکه صهیونیستی

فیروز نادری عضو پیشین ناسا از گردن به پایین فلج شد.

نادری، عضو پیشین «ناسا» در صفحه فیس‌بوک، از فلج شدن خود در پی یک حادثه خبر داد و نوشت: «من ضربان قلب پایین ناگهانی داشتم که باعث شد از حال بروم و سرم به دیوار برخورد کند و یکی از مهره‌های گردنم جابه‌جا و نخاعام آسیب ببیند و از گردن به پایین فلج شوم.»

این بازیچه گروهک‌های برانداز، چندی پیش در گفت‌وگو با شبکه زرد و صهیونیستی «ایران اینترنشنال» جوگیر شده و گفته بود اعتقادی به بهشت و جهنم ندارد اما باید روحانیون را به زحل بفرستد که شبیه جهنم است!

عطاءالله مهاجرانی در واکنش به این خبر به کنایه در توئیتر نوشت: قرار بود سفر یک‌طرفه به زحل تدارک کند، و در سیزده‌به‌در جشن به در دیگری! می‌بایست در خشونت کلامی حد نگه دارد و کسی را به جهنم زحل نفرستد! شبانگه به سر فکر تاراج داشت- سحرگه نه تن سر؛ نه سر تاج داشت/ به یک گردش چرخ نیلوفری- نه تاجی به جا ماند و نه نادری!

همچنین کانال رادیو مفسر در فضای مجازی نوشت: شبکه‌ای از فعالان رسانه‌ای که یک دهه پیش در فضای سیاسی و مطبوعاتی آمریکا مسئول لابی‌سازی و لانسه کردن برجام بودند؛ پس از یک دهه و نیز تغییر دولت در ایران سردمداران شورش ۱۴۰۱ شدند. اسامی‌ای همچون کریم سجادپور، مسیح علینژاد، فیروز نادری، تریتا پارسی و... یک دهه پیش همسو پروژه برجام را جلو می‌بردند. پس از یک دهه با شکست نسبی پروژه برجام، لابیست‌های برجام بانی آشوب ۱۴۰۱ شدند. کریم سجادپور که یک دهه پیش در بنیاد کارنگی فعالیت می‌کرد و هفته‌ای یک‌بار با وزیر خارجه آمریکا جلسه داشت در بسیاری از نشریات غربی درصدد تئوریزه کردن برجام بود؛ وی در شورش سال گذشته بانی پروژه جرج تاون و منشور همبستگی بود. علینژاد به یکی از سران شورش سال گذشته بدل شد. تریتا پارسی رئیس نایاک نیز اعلام کرد برخلاف یک دهه پیش سیاست نایاک حمایت از پروژه براندازی است.

اما در این میان سرنوشت «فیروز نادری» از همه جالب‌تر است. وی که تا دو دهه پیش حتی در برخی از برنامه‌های نجومی شبکه چهار سیما شرکت می‌کرد. در طول این سال‌ها مهم‌ترین نماد دیاسپورای ذهنی جامعه ایران در باب مهندسان ایرانی شاغل در ناسا بود. وی تا یک دهه پیش ذیل سازمان غیرانتفاعی «پایا» به همراه ولی نصر از لابیست‌های برجام محسوب می‌شد و به همراه انوشه انصاری جایزه اصغر فرهادی را از آکادمی اسکار تحویل گرفت. در ماه‌های اخیر وی از مهم‌ترین حامیان شورش ۱۴۰۱ بود. فلج شدن او از گردن به پایین؛ آن هم چند روز پس از تهدید به سوزاندن معممین، دراماتیک‌ترین سرنوشت ممکن برای وی بود.

مهم‌تر از مواضع یک‌سال اخیر وی، ریشه‌یابی این مسئله است که لابیست‌های پروژه برجام چگونه پس از یک دهه به سردمداران حرکت سال گذشته تبدیل شدند.

ارتباط ارگانیک عبدالحمید با اشرار و تروریست‌های اعدامی

عبدالحمید اسماعیل‌زهی امام جماعت مسجد مکی زاهدان، از عناصر شرور و جنایتکار و مفسد اعدام شده که سیاست‌های ضدایرانی آمریکا و اسرائیل را به اجرا می‌گذاشتند، برای چندمین‌بار حمایت کرد.

او به جای محکومین جنایات‌اشرار و تروریست‌ها، به نمایندگان مجلس حمله کرد و گفت:« امروز راحتی از مُلک ایران رفته، اعدام‌های بی‌رویه و فراوان رخ داده و این همه تبعیض و نابرابری در کشور وجود دارد، چرا از خانه ملت صدای موثری بلند نشده است؟

وی گفت: نمایندگان مردم به‌جای این‌که بر عملکرد حاکمیت، دولت، اجرای قانون اساسی، اجرای عدالت و آزادی‌ها نظارت داشته باشند، دغدغه‌شان این شده که فلان شهر و روستا آب و برق و راه دارد یا نه. با این همه اعدام‌های بی‌رویه و فراوان و این همه تبعیض و نابرابری، چرا از خانه ملت صدایی بلند نمی‌شود؟»

عبدالحمید اظهار داشت: «وقتی نماین